

(فصل هفدهم)

مکانی برای تعلق

" شما... همراه با مقدسین، اهل وطن الهی می باشید و با سایر ایمانداران عضو خانواده خدا هستید." (افسیان ۲: ۱۹ب)

" خانه خدا که کلیسای زنده و ستون و بنیان حقیقت است..." (اول تیموتاؤس ۳: ۵ب)

از شما دعوت به عمل آمده، تا نه فقط ایمان داشته باشید، بلکه تعلق نیز داشته باشید. حتی در محیط کامل و پاک باغ عدن، خدا فرمود: "خوب نیست که آدم تنها باشد" (پیدایش ۲: ۱۸) ما برای اجتماع آفریده شدیم، برای مشارکت ساخته شدیم، و برای خانواده شکل گرفته ایم، و هیچ کدام از ما به تنهایی قادر به تحقق اهداف خدا نیست.

در کتاب مقدس چیزی از قبیل مقدسین منزوی، یا زاهدان گوشه نشینی که از دیگر ایمانداران جدا شده اند و از مشارکت محروم هستند، یافت نمی شود. کتاب مقدس می فرماید که ما در کنار هم قرار گرفته ایم، به هم وصل شده ایم، با یکدیگر بنا شده ایم، با یکدیگر عضو هستیم، با هم وارث هستیم، با هم تطبیق داده شده ایم، و با هم نگهداری شده ایم و با یکدیگر نیز به آسمان رفته خواهیم شد. (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲؛ افسسیان ۲: ۲۱ و ۲۲؛ ۳: ۶؛ ۴: ۱۶؛ کولسیان ۲: ۱۹؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۷) شما دیگر، خودتان به تنهایی نیستید.

در حالیکه رابطه شما با مسیح شخصی است، نباید فراموش کنید که خدا نمی خواهد خصوصی باشد. در خانواده خدا، شما به هر ایماندار دیگر مربوط می شوید و برای ابدیت به یکدیگر تعلق خواهیم داشت.

کتاب مقدس می فرماید: "ما نیز که بسیاریم، در مسیح یک بدن را تشکیل می دهیم و هر یک، اعضای یکدیگریم" (رومان ۱۲: ۵)

در پیروی از مسیح نه فقط ایمان داشتن، بلکه تعلق داشتن نیز شامل می شود. ما عضو بدن او یعنی کلیسا هستیم. اس. لوتیس متوجه شد که کلمه عضویت منشاء مسیحی دارد، ولی دنیا آن را از معنای اولیه آن خالی کرده است. مغازه ها اغلب به اعضای خود تخفیف می دهند و تبلیغ کنندگان تجاری از اسم اعضای خود برای ساختن فهرست پستی خود استفاده می کنند. در کلیساها، اغلب معنای عضویت فقط به سطح اضافه کردن اسم شما به دفتر عضویت بدون هیچ تقاضا و انتظار کاهش داده شده است.

برای پولس رسول، عضو کلیسا بودن، به معنای عضو فعالی در بدن زنده معنا می داد، که قسمت ضروری و به هم پیوسته بدن مسیح می باشد. (رومان ۱۲: ۴-۵؛ اول قرنتیان ۶: ۱۵؛ ۱۲: ۱۲-۲۷) ما احتیاج داریم که معنای کتاب مقدسی عضویت را ترمیم بخشیده و به آن عمل کنیم. کلیسا یک بدن است و نه یک ساختمان، یک ارگانیسم است و نه یک سازمان.

اعضای بدن شما برای انجام اهداف خود می باید به بدن مربوط باشند. و همین اصل برای شما بعنوان عضو بدن مسیح نیز صدق می کند. شما برای یک وظیفه بخصوصی خلق شده اید، اما اگر به یک کلیسای محلی و زنده مرتبط نیستید، دومین هدف زندگی خود را از دست خواهید داد. شما نقش خود را در زندگی توسط روابطتان با دیگران کشف می کنید. کتاب مقدس به ما می فرماید: "درست همانطور که بدن انسان اعضای مختلف دارد، بدن مسیح یعنی کلیسا نیز اعضای گوناگون دارد؛ هر یک از ما عضوی از بدن او هستیم و برای تکمیل آن لازم می باشیم و مسئولیت و وظیفه ای مشخص بر آن داریم. اما در کل، همه متعلق به یکدیگریم و به هم نیاز داریم" (رومان ۱۲: ۴-۵)

اگر عضوی از بدن جدا شود، خشک شده و خواهد مرد. هیچ عضو بدن به تنهایی نمی تواند وجود داشته باشد، پس شما نیز نمی توانید. اگر از بدن محلی و نیروی حیاتی آن قطع رابطه کنید و بریده شوید، زندگی روحانی شما پژمرده و به تدریج نابود خواهد شد. (افسیان ۴: ۱۶) به همین علت است که اولین نشانه انحطاط روحانی معمولاً "شرکت نامرتب در جلسات پرستش و دیگر گردهم آئی های ایمانداران می باشد. هر گاه نسبت به مشارکت شروع به بی توجهی می کنیم، هر چیز دیگر نیز شروع به فروپاشیدن می کند.

عضویت در خانواده خدا بی اهمیت نیست و چیزی نیست که بدون جدیت از آن چشم پوشی کنیم. کلیسا برنامه کار خدا برای دنیا است. عیسی مسیح فرمود: "من... کلیسای خود را بنا می کنم و قدرت مرگ بر آن استیلا نخواهد یافت" (متی ۱۶: ۱۸) کلیسا فناپذیر است و تا ابد وجود خواهد داشت. کلیسا بیشتر از این جهان کنونی زنده خواهد ماند و نقش شما در آن نیز همچنین. شخصی که می گوید: "من به کلیسا احتیاجی ندارم"، یا مغرور است و یا نادان. کلیسا آنقدر مهم بود که مسیح برای آن بر صلیب جان داد. "مسیح نیز کلیسا را محبت کرد و جان خویش را فدای آن نمود" (افسیان ۵: ۲۵)

کتاب مقدس، کلیسا را "عروس مسیح" و "بدن مسیح" می نامد. (دوم قرنتیان ۱۱: ۲؛ افسسیان ۵: ۲۷؛ مکاشفه ۱۹: ۷) من نمی توانم تصور کنم که به عیسی مسیح بگویم: "من تو را دوست دارم ولی زن تو را دوست ندارم." یا اینکه: "من تو را

قبول می کنم ولی بدن تو را نمی پذیرم. " ولی هر گاه کلیسا را ترک می کنیم یا خوار می شماریم و در مورد آن شکایت می کنیم، همین کار را می کنیم. بجای این کار، خدا به ما فرمان می دهد که کلیسا را به همان اندازه که مسیح آن را دوست دارد، محبت کنیم. کتاب مقدس می فرماید: "ایمانداران را دوست بدارید." (اول پطرس ۱۷:۲ ب) متأسفانه، بسیاری مسیحیان از کلیسا استفاده می کنند ولی آن را محبت نمی کنند.

مشارکت محلی شما

به جز چند استثنای مهم که به ایمانداران کل تاریخ اشاره شده، تقریباً هر دفعه که کلمه کلیسا در کتاب مقدس به کار رفته، اشاره به جماعت محلی و قابل رؤیت کرده است. عهدجدید عضویت در جماعت محلی را حتمی می داند. تنها مسیحیانی که عضو مشارکت محلی نبودند، آنانی بودند که تحت انضباط کلیسایی بودند، که از مشارکت، به علت گناه شرم آوری در عموم محروم شده بودند. (اول قرنیتیان ۵: ۱-۱۳؛ غلاطیان ۶: ۱-۵)

کتاب مقدس می فرماید که یک مسیحی بدون خانه کلیسایی، مانند عضوی بدون بدن، گوسفندی بدون گله، یا فرزندی بدون خانواده می باشد. این یک حالت کاملاً غیرطبیعی است. کتاب مقدس می فرماید: "با سایر ایمانداران عضو خانواده خدا هستید." (افسیان ۲: ۱۹ ب)

فرهنگ امروزی فردگرایی مستقل، باعث بوجود آمدن یتیمان روحانی زیادی شده است. "ایمانداران خرگوش وار" که بدون هیچ هویت، پاسخگویی، یا تعهد از کلیسایی به کلیسای دیگر می جهند. بسیاری اعتقاد دارند که شخص می تواند بدون تعلق (یا حتی شرکت) در کلیسای محلی، "مسیحی خوبی" باشد، اما خدا شدیداً مخالف این ایده است. کتاب مقدس دلایل قانع کننده بسیاری ارائه می دهد تا در یک مشارکت محلی، متعهد و فعال باشیم.

چرا به خانواده کلیسایی نیاز دارید

خانواده کلیسایی شما را بعنوان ایماندار اصیل هویت می بخشد. من نمی توانم ادعا کنم که مسیح را پیروی می کنم، اگر به هیچ گروه مشخص شاگردان متعهد نیستم. عیسی مسیح فرمود: "از همین محبت شما به یکدیگر، همه بی خواهند برد که شاگرد من هستید." (یوحنا ۱۳: ۳۵)

وقتی بعنوان خانواده کلیسایی در محبت، از زمینه ها، نژادها و مقامهای اجتماعی متفاوت، با یکدیگر جمع می شویم، شهادتی قوی برای دنیا است. (غلاطیان ۳: ۲۸؛ همچنین یوحنا ۱۷: ۲۱ را نیز ببینید). شما به تنهایی، بدن مسیح نیستید بلکه احتیاج به دیگران دارید تا این را نشان دهید. با یکدیگر و نه جدا از هم، بدن مسیح را تشکیل می دهیم. (اول قرنیتیان ۱۲: ۲۷)

خانواده کلیسایی شما را از انزوای خود محورانه بیرون می آورد. کلیسای محلی، کلاس درسی است که یاد می گیریم چگونه با خانواده خدا بسازیم و تا کنیم. کلیسا آزمایشگاهی است برای آزمایش محبت متواضعانه و دلسوزانه. شما بعنوان عضو شرکت کننده یاد می گیرید که برای دیگران فکر کنید و در تجربیات دیگران سهیم شوید: "اگر یک عضو دردمند گردد، همه اعضا با او همدرد باشند؛ و اگر یک عضو سرافراز شود، همه در خوشی او شریک گردند." (اول قرنیتیان ۱۲: ۲۶) تنها توسط تماس دائم با ایمانداران عادی و ناکامل است، که ما می توانیم مشارکت واقعی را یاد بگیریم و حقیقت عهدجدیدی مربوط بودن و متعلق بودن به یکدیگر را تجربه کنیم. (افسیان ۴: ۱۶؛ رومیان ۱۲: ۴-۵؛ کولسیان ۲: ۱۹؛ اول قرنیتیان ۲۵: ۱۲)

مشارکت کتاب مقدسی بمعنای این است که همانقدر که به مسیح سرسپرده و تسلیم هستیم، نسبت به یکدیگر نیز باشیم. خدا انتظار دارد که ما جان خود را برای هم فدا کنیم. خیلی از مسیحیان که با یوحنا ۱۶: ۳ آشنا هستند با اول یوحنا ۱۶: ۳ آشنا نیستند که می گوید: "محبت را از آنجا شناخته ایم که او جان خود را در راه ما نهاد، و ما نیز باید جان خود را در راه برادران بنهیم." این، آن نوع محبت فداکارانه است که خدا از شما انتظار دارد نسبت به دیگر ایمانداران نشان دهید. یعنی خواستن اینکه آنها را به همان صورت که مسیح شما را محبت کرد، دوست داشته باشید.

خانواده کلیسایی شما را در رشد ماهیچه روحانی کمک می کند. شما فقط با شرکت در جلسات پرستشی و تماشای خنثی بودن، نمی توانید رشد کنید. تنها شرکت در زندگی کامل یک کلیسای محلی، ماهیچه یا عضله روحانی را تقویت می کند. کتاب مقدس می فرماید: "بنی که به وسیله همه مفاصل نگاهدارنده خود، به هم پیوند و اتصال می یابد و بر اثر عمل متناسب هر عضو رشد می کند و خود را در محبت بنا می نماید." (افسیان ۴: ۱۶ ب)

در عهد جدید عبارت "یا هم" یا "یکدیگر" بیش از پنجاه بار استفاده شده است. به ما دستور داده شده تا یکدیگر را محبت کنیم، برای هم دعا کنیم، یکدیگر را تشویق کنیم، یکدیگر را نصیحت کنیم، به یکدیگر سلام بگوییم یا یکدیگر را تحیت کنیم، یکدیگر را خدمت کنیم، تعلیم دهیم، بپذیریم، احترام کنیم، بارهای یکدیگر را تحمل کنیم، یکدیگر را ببخشیم، تسلیم یکدیگر شویم، فدای یکدیگر شویم، و خیلی تکالیف دوجانبه دیگر. این است عضویت کتاب مقدسی! اینها "

مسئولیت‌های خانوادگی " شما هستید که خدا از شما انتظار دارد توسط مشارکت محلی آن را به عمل آورید. شما اینها را با چه کسی انجام می‌دهید؟

بنظر خیلی ساده تر خواهد بود که، وقتی کسی دیگر دور و بر شما نیست تا سلیقه شما را باطل کند، مقدس باشید، اما این قدوسیت اشتباه و آزموده نشده می‌باشد. انزوا، فریب را می‌پروراند؛ و این خیلی راحت است که خود را با این فکر که ما زمانی که هیچکس ما را به چالش نمی‌طلبد، بالغ هستیم، فریب دهیم. رشد و بلوغ واقعی، خود را در روابط نشان می‌دهد.

ما برای رشد کردن خیلی بیشتر از کتاب مقدس، یعنی ایمانداران را نیز نیاز داریم. ما با یاد گرفتن و پاسخگو بودن نسبت به یکدیگر، سریعتر و قویتر رشد می‌کنیم. وقتی دیگران آنچه را خدا به آنها تعلیم می‌دهد، با من تقسیم می‌کنند، من نیز یاد می‌گیرم و رشد می‌کنم.

بدن مسیح به شما نیاز دارد. خدا نقش بی نظیری برای شما دارد که در خانواده ایفاء کنید و این " خدمت " شما خوانده می‌شود و خدا برای این تکلیف به شما عطا بخشیده: " در واقع، روح القدس بوسیله هر یک از ما قدرت خدا را جلوه گر می‌سازد، تا از این راه کلیسا را تقویت نماید. " (اول قرن‌تین ۱۲: ۷)

مشارکت محلی شما، مکانی است که خدا برای شما طراحی کرده تا عطایای خود را کشف، توسعه و بکار برید. ممکن است خدمت وسیع تری نیز داشته باشید، ولی این خدمت شما، اضافه بر خدمت شما در بدن محلی می‌باشد. مسیح وعده نداده که خدمت شما را بنا کند، بلکه وعده داده که کلیسایش را بنا خواهد کرد.

شما در مأموریت مسیح در دنیا، سهیم خواهید بود. وقتی مسیح بر زمین قدم می‌زد، خدا توسط بدن فیزیکی او کار می‌کرد و امروز، او بدن روحانی اش را بکار می‌برد. کلیسا، وسیله خدا بر زمین است. ما فقط از محبت خدا برای محبت نسبت به یکدیگر، سرمشق نمی‌گیریم بلکه با یکدیگر، آن را به تمام دنیا منتقل می‌کنیم. این امتیازی باورنکردنی است که به ما، با یکدیگر سپرده شده است. بعنوان اعضای بدن مسیح، ما دستها، پاها، چشمان، و قلب او هستیم. او توسط ما در دنیا کار می‌کند. هر یک از ما در آن سهمی داریم. پولس به ما می‌گوید: " این خداست که ما را از نو آفریده و این زندگی جدید را از فیض وجود عیسی مسیح به ما داده است؛ و از زمانهای دور دست، نقشه خدا این بوده که ما این زندگی جدید را صرف خدمت به دیگران نماییم. " (افسیان ۲: ۱۰)

خانواده کلیسایی شما را از لغزش محفوظ نگه خواهد داشت. هیچکدام از ما از وسوسه مصون نیستیم. من و شما به حق، قادر به مرتکب شدن هر گناهی هستیم (اول قرن‌تین ۱۰: ۱۲؛ ارمیاء ۱۷: ۹؛ اول تیموتاؤس ۱: ۱۹) خدا این را می‌داند و برای همین او به هر یک از ما بصورت انفرادی مسئولیت داده تا یکدیگر را در راه حفظ کنیم. کتاب مقدس می‌فرماید: " بلکه هر روز، تا آن زمان که هنوز "امروز" خوانده می‌شود، یکدیگر را بند دهید تا کسی از شما در اثر فریب گناه، سختدل نشود. " (عبرانیان ۳: ۱۳) این عبارت که "سرت در کار خودت باشد"، عبارت مسیحی نیست. ما دعوت شده ایم و به ما دستور داده شده تا در زندگی یکدیگر درگیر باشیم. اگر کسی را در حال حاضر می‌شناسی که از نظر روحانی متزلزل می‌شود، این مسئولیت شما است که به دنبال او بروید و او را به مشارکت کلیسایی بازگردانید. یعقوب به ما می‌گوید: " اگر کسی از راه راست منحرف شده و ایمان خود را از دست داده باشد، اما شخصی به او کمک کند تا بسوی حقیقت بازگردد، این شخص که باعث بازگشت او بسوی خدا شده، بداند که جان گمشده ای را از جنگال هلاکت ابدی نجات داده و موجب آمرزش گناهان زیاد او شده است. " (یعقوب ۵: ۱۹ و ۲۰) یکی از فوائد دیگر کلیسای محلی این است که توسط رهبران خداترس، حفاظت روحانی را برای ما تدارک می‌بیند. خدا به رهبران شبان، مسئولیت نگهداری، حفاظت، دفاع، و مواظبت و توجه از بهبود وضع روحانی گله شان را داده است (اعمال رسولان ۲۰: ۲۸-۲۹؛ اول پطرس ۵: ۱-۴؛ عبرانیان ۱۳: ۷ و ۱۷). به ما گفته شده است: " ایشان بر جانهای شما دیده بانی می‌کنند و باید حساب بدهند. " (عبرانیان ۱۳: ۱۷)

شیطان، ایمانداران جدا شده و قطع شده از زندگی بدن را، دوست دارد، که از خانواده خدا و پاسخگویی به رهبران روحانی منزوی هستند، چون می‌داند که آنها در برابر فنون جنگی او بی دفاع و ضعیف هستند.

همه اینها در کلیسا است

در کتاب " کلیسای هدفمند " خود، من شرح داده ام که چگونه قسمتی از کلیسای سالم بودن، برای زندگی سالم، حیاتی است. امیدوارم این کتاب را نیز خواهید خواند، چون این کتاب به شما کمک خواهد کرد تا درک کنید که چگونه خدا کلیسایش را بطور اخص طراحی کرده تا شما را کمک کند تا پنج هدفی که او برای زندگی شما دارد، عملی سازید. او کلیسا را آفریده تا پنج نیاز عمیق شما را بر آورده سازد: برای هدفی زندگی کردن، مردمی برای مدارا کردن، قواعدی برای اعتقاد داشتن، حرفه ای برای ادامه زندگی، و قدرتی که با آن زندگی کنید. در دنیا هیچ جای دیگری بجز کلیسا نیست که بتوانید همه این پنج فوائد را در آن پیدا کنید.

هدفهای خدا برای کلیسایش، با پنج هدفش برای شما یکسان است. پرستش، به شما کمک می کند تا بر خدا متمرکز شوید؛ مشارکت، شما را کمک می کند تا با مشکلات زندگی دست و پنجه نرم کنید؛ شاگردسازی، شما را کمک می کند تا ایمانتان را تقویت کنید؛ خدمت، کمک می کند تا استعدادها و عطایاتان را کشف کنید؛ بشارت، کمک می کند تا مأموریت خود را انجام دهید. همتای کلیسا بر زمین وجود ندارد!

انتخاب شما

وقتی طفلی متولد می شود، او به طور اتوماتیک وار، قسمتی از خانواده جهانی بشریت می شود. اما این طفل همچنین احتیاج دارد که عضو یک خانواده مشخص شود، تا تغذیه و مواظبت شود و سالم و قوی رشد کند. این از نظر روحانی نیز صدق می کند. وقتی شما تولد دوباره یافتید، شما بطور اتوماتیک وار قسمتی از خانواده جهانی خدا شدید، اما شما احتیاج دارید که عضو سیمای محلی خانواده خدا نیز بشوید.

تفاوت بین شرکت کننده در کلیسا و عضو کلیسا، در تعهد می باشد. شرکت کنندگان تماشاچیان کنار خط هستند؛ در حالیکه اعضا در خدمت درگیر هستند. شرکت کنندگان، مصرف کننده هستند؛ اما اعضا شریک هستند. شرکت کنندگان طالب سود کلیسا، بدون مسئولیت پذیری هستند. آنها مانند زوجهای هستند که می خواهند با یکدیگر زندگی کنند، اما بدون تعهد در ازدواج.

چرا اینقدر مهم است که به خانواده کلیسایی محلی ملحق شویم؟ چون این مسئله ثابت می کند که شما به برادران و خواهران روحانی خود عملاً متعهد هستید و نه فقط از نظر تئوری. خدا از شما می خواهد که مردمی که واقعی هستند محبت کنید و نه مردمی که ایده آل هستند. شما می توانید تمام عمر خود را صرف جستجو برای یافتن کلیسای کامل بکنید، اما هرگز آن را نخواهید یافت. شما خوانده شده اید تا گناهکاران ناکامل را، همانطور که خدا دوست دارد، محبت کنید.

در کتاب اعمال رسولان، مسیحیان در اورشلیم در تعهدشان نسبت به یکدیگر، خیلی مشخص بودند. آنها وقف مشارکت بودند. کتاب مقدس می فرماید: "آنان خود را وقف تعلیم یافتن از رسولان و رفاقت (مصاحبت و مشارکت) و یاره کردن نان و دعا کردند." (اعمال رسولان ۲: ۴۲) خدا از شما نیز توقع دارد که به همین چیزها خود را وقف کنید. زندگی مسیحی بیش از تسلیم شدن به مسیح است؛ و شامل تسلیم به مسیحیان دیگر نیز می شود. مسیحیان مکادونیه این را درک کردند. پولس گفت: "ایشان... نخست خویشان را به خداوند تقدیم داشتند، و سپس به ما نیز، بر طبق اراده خدا." (بوم قرننیان ۵: ۸) پیوستن به عضویت یک کلیسای محلی، پس از اینکه فرزند خدا شدید، قدم بعدی طبیعی می باشد. شما با تسلیم خود به مسیح، مسیحی می شوید، اما با تسلیم خود به گروه خاص ایمانداران، عضو کلیسا می شوید. اولین تسلیم باعث نجات می شود؛ و دومی باعث مشارکت می شود.

نکته مورد توجه: من خوانده شده ام، نه فقط ایمان داشته باشم بلکه تعلق داشته باشم.

آیه حفظی: "ما نیز که بسیاریم، در مسیح یک بدن را تشکیل می دهیم و هر یک، اعضای یکدیگریم." (رومیان ۱۲: ۵)
سوالی که باید از خود بکنید: آیا سطح درگیری من در کلیسای محلی، نشاندهنده این است که من خانواده خدا را دوست دارم و تسلیم آنها می باشم؟